

سینوزیت در مرداد



مهدی استاد احمد

هو ا گرم است و سرما خوردهام من / او از این وضعیت جا خوردهام من
به طوری خوردهام سرما که چندبست / نه تنها خم شدم، تا خوردهام من
در این وضعیت غیر طبیعی / تمام غصهها را خوردهام من
زدم از فرط حیرت زیر آواز / آهاهاها آهاها.. خوردهام من
خلاصه اینکه چیزی نیست در جاش / اخاوند عجب شور است این آش

زیر ذره بین

اشکان بروج

سفر کنیم برای انتقام از طبیعت



گردشگری و سفر، نه به معنای اینکه در خانه وسایل را جابهجا کنیم و رنگ میل را از قرمز به زرد تغییر دهیم، بلکه به معنای این است که باید از خانههای مان بیرون بزیم و در ایام مختلف سال از جمله همین روزهای گرم تابستان، با تمام قدرت انتقام سختی از طبیعت بگیریم. باید به زیر آبشار و داخل رودخانهها و تنگهها برویم و با تبدیل رنگ آبی و زلال به رنگ قهوه ای نسکافه ای، ثابت کنیم ما انسانهای طبیعت گرد و گردشگران خاصی هستیم که با تمام وجود می توانیم برای گرفتن سلفی با خویش انداز به همه چیز گند بزیم.

اما واقعیت پشت پرده چیزی نیست جز نبود «فرهنگ سفر»، گذری بر تاریخ سفر گردشگری نشان می دهد جابه جایی و حرکت، بنیاد سفر بوده و در زمان های مختلف اهداف و انقلاب هایی، جریان های سفر را تغییر داده است. در روزگار نخستین، غذا و فرار از دشمن و پناهگاه دلیل سفر بود و بعدها، تجارت، مذهب، چرخ، جاده، دانش، سیاست، احتیاج سفر بودند. ماشین، تفریح و در نهایت تجربه و آگاهی دلایل و نقاط عطف سفر شدند.

در گذشتن از این مسیر، افرادی بودند که آگاهانه سفر می کردند و با اشتراک گذاشتن تجربه ها و سفرنامه های شان، به مردم برای سفرهای شان خط فکر می دادند. چگونه سفر رفتن و آداب گردش، با خواندن و همسفر شدن و پا به سفر شدن، رشد کرد و در هر نقطه دنیا، به عنوان نوعی خرده فرهنگ به وجود آمد، تا جایی که در سال های گذشته، کدهای اخلاقی و رفتاری گردشگری به نوعی قانون نانوشته سفر برای همه جهانیان شد. روایت ۱۰ سال گذشته جریان سفر در ایران بسیار پیچیده است ولی آنچه مشخص است، سفر هیچگاه از ما بر نمی گزید و دیگر سفر کالای لوکسی نیست، بلکه بخشی از سبک خانوار محسوب می شود.

پارکها، مناطق تفریحی، تعطیلات و آخر هفته های ایرانیان نشان از این دارد، که چادر دفی یا خودرو شخصی، گاز پیکنیک، کنت واش، زیرانداز حصیری، همراه با چای و قند و استکان هایش، بخشی از فرهنگ سفر در ایران است. و این فرهنگ وامانده فرهنگ سفر انبوه قرن نوزدهم اروپاست.

آنچه امروز ایران برای فرهنگ سفر نیاز دارد، از مهد کودک تا دورهمی های سالمندان در پارکها، آگاهی و آموزش عمومی و سراسری ایرانیان از اثرات منفی گردشگری ناپایدار پیکنیک و ارابه راه طی به اسم گردشگری پایدار و طبیعت گردی مسوولانه به همه اهالی سفر است.

آنچه ما داریم به عنوان فعالان این صنعت در آمدن و مطرح می بینیم، انحطاط منابع گردشگری و هز رفتن منابع اقتصادی حاصل از گردشگری است که با بی نامگی مسوولان و اجازه ندادن به دخالت کارشناسان و اهالی فن در امور برنامه ریزی و سیاست گذاری، با سرعت عجیبی در حال زمین خوردن است. ای کاش بودن سازمانی به نام گردشگری، گره گشای دانستان باشد، نه گره کورا!

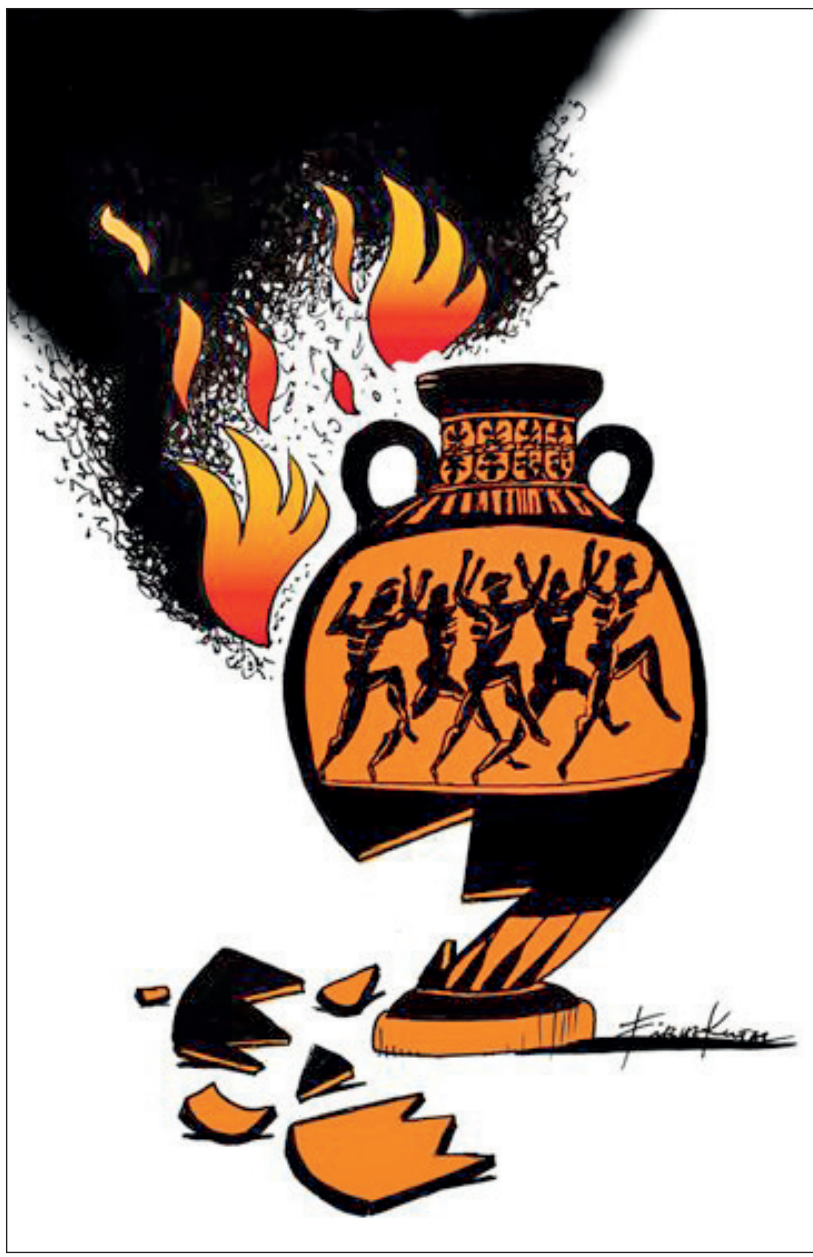
نشست روز

«شرح اوراق عتیق» در دفتر شعر جوان

«شرح اوراق عتیق» عنوان سلسله نشستهایی است که دفتر شعر جوان با هدف آشنایی با متون نظم و نثر فارسی در خانه شاعران ایران برگزار می کند.
در این نشست ها، رضا موسوی طبری، شاعر و پژوهشگر به شرح و تفسیر مطالب و اشعاری از کتب مختلف نظم و نثر فارسی از جمله قیام مافیه، نغمه المصنوع، تاریخ بیخیهی و منشآت خاقانی، دیوان اشعار بیدل، سنایی، خاقانی، حافظ و... می پردازد. همچنین بیان لزوم و کیفیت مواجهه با متون کهن فارسی از دیگر اهداف تشکیل این دوره آموزشی است. نشست های «شرح اوراق عتیق» از هفتم مردادماه، هر یکشنبه ساعت ۱۸ در محل خانه شاعران ایران واقع در خیابان کلاهدوز (دولت) نیش کوچه نعمتی، برگزار می شود. حضور در این جلسات که تا پایان امسال ادامه خواهد داشت، برای عموم علاقه مند، آزاد و رایگان است.

تیر مصور | آتش سوزی در جنگل های یونان ادامه دارد

فیروز کوتال



Logo and contact info for Etemad Newspaper. Info@etemadnewspaper.ir, www.etemadnewspaper.ir. Includes a small photo of a man.

در همین حوالی

احمد بصری

محیط بانی و هزار و یک درد سر



محیط بانان در ایران با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می کنند. آنها بر اساس دستورالعمل یگان محیط زیست باید ۱۸ شبانه روز در مأموریت باشند که عددی معادل ۴۳۲ ساعت در ماه است. با وجود کار در شرایط سخت و در مناطقی که برای چند روز حتی امکان تماس با خانواده های شان را ندارند، حقوقی به اندازه یا کمتر از سایر کارکنان دولت دریافت می کنند. بیمه مسوولیت از دیگر کمبودها در زندگی کاری محیط بانان به شمار می آید، به این ترتیب آنها باید هزینه های درمانی ناشی از اتفاقات روی داده در محل کار را خودشان پرداخت کنند.
حلقه های ضد گلوله قرار است صدمات وارده به این قشر را در درگیری ها کاهش دهد. اما این حلقه ها فارغ از وزن زیادی و فقدان کارایی در برابر برخی اسلحه ها، به همه محیط بانان تعلق نگرفته است. این در حالی است که همچنان بر اساس قواعد بنیاد شهید، تنها زمانی محیط بانان شهید به حساب می آیند که در درگیری یا اشرفا، گرگه های ضد انقلاب و... کشته شوند. سازمان حفاظت محیط زیست نام شهید را بر محیط بانان کشته شده در درگیری با شکارچیان می گذارد. اما تنها تعداد انگشت شماری از آنها توانسته اند تحت پوشش بنیاد شهید قرار گیرند.
مسائل محیط بانان تنها به حلقه ضد گلوله و حقوق خلاصه نمی شود. در بسیاری از مناطق آنها برای کشتن بزهای خود با معضلی به نام کمبود سوخت و واسطه بودجه اندک سازمان حفاظت محیط زیست مواجهند. آنها ناچار می شوند با توجه به این محدودیت صرفه جویی کرده و گشت های خود را کاهش دهند. به نظر می رسد برای رفع این معضل باید بنزین به شکل نامحدود در اختیار محیط بانان قرار بگیرد یا لاقیل سهمیه آنها افزایش یابد.
برای رفع چالش های بودجه ای و ویژه در پاسگاه های محیط بانان در ماه های اخیر سازمان حفاظت محیط زیست صدور پروانه های شکار را در دستور کار قرار داده است اما هنوز آمار دقیق و شفافی از سحل هزینه کردن این پروانه ها رای نشده است. ما با شکار موافق نیستیم اما زمانی که سازمان حفاظت محیط زیست در آمدی ندارد و قانون نیز این اجازه را به سازمان محیط زیست برای صدور پروانه داده است، می توان از آن برای بهبود وضعیت حفاظت بهره گرفت. به شرط آنکه شفافیت در این روند همواره رعایت شده و همانند پروانه های سال های قبل نباشد که در آمد حاصله از آن وارد پاسگاه های محیط بانان و تجهیزات این مناطق نشد.

شکایت به دوستان

نیوشا طیبی

لبخندی گشاده بر ریش مخاطبان

در دهه اول انقلاب حساسیت بسر روی موسیقی پاپ به عنوان مصداق موسیقی مثلث چنان بود که تقریباً تولید این نوع موسیقی به صفر رسید. نوازندگان و خوانندگان حرفه ای پاپ یا از ایران مهاجرت کردند یا شغل خود را ترک و به امرار معاش از طریق دیگری اقدام کردند. اگر چه برخورد های سلیقه ای با اهل موسیقی همچنان تا دو دهه بعد ادامه داشت و آهنگسازان و نوازندگان انواع مختلف موسیقی چندان روی خوشی نمی دیدند، اما مجموعاً فضا برای فعالیت اهل موسیقی سنتی ایرانی بهتر بود. اما نوازندگان موسیقی ایرانی هم ناچار به اخذ مجوز های ویژه ای برای حمل ساز خود بودند. اگر بر حسب اتفاق نوازنده ای خطی را می پذیرفت و با ساز بدون مجوز از خانه خارج می شد، ممکن بود مأمورین در بازرسی و کشف ساز، اساق اقدام به مدموم کردن آلت جرم کنند. یکی از موسیقیدانان مشهور فعلی خاطرهای از کشف آثار یحیی بی نظیرش توسط مأمورین برای من تعریف کرد، چون مجوز را به همراه نداشت، ساز شکسته می شود و نوازنده جوان آن روز گویی روح از بدنش مفارقت می کند. ساعت ها گوشه خیابان گنج منگ بر سر جنازه تار می نشیند و تا ماه ها نمی تواند ضربه سستگین آن واقعه را از یاد بسرد. گمان دارم موسیقیدانان سنتی ایران شرافتمندانه و آرام و صبور قرن ها گنجینه موسیقی ایرانی را سینه به سینه نقل کردند تا به امروز رسید. در سال های پس از انقلاب، جریان هایی از همین موسیقی حذف شدند و دیگر اثری از سبک و شیوه نوازندگی آنها باقی نماند. سخت گیری های دهه اول جای خود را به گشایش داد و موسیقی پاپ دوباره به عرصه بازگشت. اوایل موسیقی پاپ تولیدی به شدت تحت تاثیر موسیقی سال های پیش از انقلاب بود. حتی خوانندگان سعی در شبیه سازی صداهای آواز خوانان آن دوران داشتند. وزارت ارشاد و مرکز موسیقی - که در آن سال ها هنوز مرکز سرود و آهنگ های انقلابی بود - و صدا و سیما روی خوش به خوانندگان پاپ و آن نوع موسیقی نشان دادند. نوع خاصی از این نوع ترانه ها و تصنیف ها از تلویزیون و رادیو پخش می شد که بیشتر در وصف گل و بلبل و همسایه و در دیوار بود: «گل می روید، یازغ گل می روید... خواننده های سیما با شمایلی مانند کارندان رسمی و موهایی که به یک شیوه آرایش شده بود، با صورتی جدی، ترانه ای مفرح می خواندند. سرمایه گذاری در بازار موسیقی پاپ توسط بخش خصوصی شروع شد و سیل اعطای مجوزها و کنسرت ها و به دنبال آن سلبریتی سازی رونق گرفت. بعد از آن انسداد شدید کار از ابتدای دهه نود به جایی رسیده که هر کس با اندکی هوش و سرمایه و بدون نیاز به هیچ نوع استعداد، خوش صدای و خوش رویی، می تواند تبدیل به سلبریتی در عرصه موسیقی شود. لبخند استهزا آمیز جوانی با سبیل های تاید به روی بلبوردها که با مهر «تمدید شد» خبر از تمدید کنسرت او می دهند، معنا و مقصودی دارد. اگر آهنگ های او را بشنویند، یقین خواهید کرد که او دارد بر ریش مخاطبان می خندد، چرا که با چنین بزرگترین صحنه پایتخت برود و تازه در اثر خواست مخاطبان برنامه اش تمدید می شود! آید بصدای بی هنری هستند، البته به نجابت و شرافت موسیقیدانان اصیل ایرانی هم نیستند. در تمام امور و نه فقط موسیقی خود را صاحب نظر می دانند. از اشتباهات کی رو در در سازماندهی تیم ملی تا نحوه برخورد وزیر امور خارجه با ترامپ هم ای صادر می کنند.

فلسفه در خیابان

به مناسبت زادروز تولد فیلسوف اتریشی - انگلیسی

واضح و متمایز به سبک کارل پوپر



محسن آزموده

آرمان رنه دکارت، فیلسوف بنیانگذار فرانسوی در قرن هفدهم دست یافت به اندیشه هایی واضح و متمایز بود، ایده هایی که همه انسان ها به راحتی منظور از آنها را دریافتند و با مطالعه یا شنیدن آنها دچار سرگردمی و گیجی نشوند. خود دکارت کوشید با غربال اما در مورد کارل پوپر، به عنوان متفکری که اصلاً زاده اتریش بود، زبان مادری اش آلمانی بود، ویژگی وضوح و تمایز در گفتار و نوشتار، غیر از نبوغ و هوشمندی نشان دهنده تلاش سترگ و ارجمند فیلسوفی است که همچون بسیاری از اندیشمندان آلمانی زبان زمانه خودش، از مغلق نویسی و ابهام رایج به فلسفه آیده آلیستی آلمانی دلزده شده بود و خواهان نفس کشیدن در هوایی تازه بود.
بله می دانیم که پوپر در اصل و اساس به دلیل قرار گرفتن در لبه سنت تفکر تحلیلی، منطقی و تجربی به لحاظ روش اندیشیدن و موضوعاتی که بدان ها می اندیشید، بیشتر فیلسوفی انگلیسی محسوب می شود و اتفاقاً شمار قابل توجهی از آثارش را نیز به زبان انگلیسی نوشته است. اما نکته مهم و ستایش برانگیز در او اهمیتش به نوشتن و گفتن به زبانی واضح و متمایز بود. کارل پوپر معتقد است که نباید از این رویکردها چشم پوشید، چرا که تمایز و وضوح و شفاف دست یافت که جلوی هر گونه تاویل و تفسیر - احياناً بی ربط - را می گیرد، مباحث درازدامنی است که تفصیلش به طور قطع در این جولانگه تنگ میسر نیست. اما به هر حال، چشم اندازی که دکارت آن را به تصویر کشید، نشان راهی است برای اهل فلسفه تا به جای مغلق گوئی و پیچیده نویسی، بگویند اندیشه های شان را تا جایی ممکن، روشن و واضح بیان کنند. به دیگر سخن، بسیاری از فیلسوفان جدید با عنایت به اینکه زبان به نوع عام و زبان فلسفه پورزی به طور خاص، رهنز حقیقت و مستعد تاویل و تفسیر است، بنابر آن گذشتند که در این مناطق و عدم حضور لودر برای حفاری کار را عقب انداخته و زمین باید توسط انسان حفاری شود».

عکس نوشت



همیشه هم این طور نیست که اوضاع بد باشد و کاری هم انجام نشود. واقعیت این است که اوضاع به نسبت خراب و آنچه در شبکه های مجازی می خوانیم می بینیم بد نیست. در واقعیت روزمره بالاخره آدم ها در حال تلاش هستند و کسانی هم پیدا می شوند که مسوولیت پذیر و متعهد، پای قاری خود ایستاده اند و به مردم کمک می کنند. آدم هایی مانند همین مردانی که در عکس می بینید. مردانی که برای گازسانی به روستاهای صعب العبور کر کردستان، مجبور به حفاری دستی زمین شده اند تا مردمان روستاهای حویه و سرهویه، پیسر و کلانی از بخش کلاترزان شهرستان سمنجان، گاز داشته باشند. خبر گزار ی مهران عکس را منتشر کرده و در توضیح نوشته است: «جداز این صعب العبور بودن بر برخی مناطق و عدم حضور لودر برای حفاری کار را عقب انداخته و زمین باید توسط انسان حفاری شود».

Advertisement for SOWT.IR. Includes text: شماره ۱۱۹ ماهنامه صنعت منتشر شد, تحلیلگران صنعت و توسعه بررسی می کنند: پیدا و پنهان بازار ثانویه ارزی, درس هایی از سربز آوردن چهره های قدرتمند در دولت های ضعیف, چگونه دموکراسی می میرد, بررسی نقش نظام اداری در توسعه از منظر نهادگرایی, فساد در بوور کراسی رخوت زده, محیط زیست، سیاست و امنیت جهانی را دستخوش دگرگونی می کند, در تله اقلیم, دولت چگونه دستاوردهای پایدار خود را مغنم بداند, شبکه ریلی شمال - جنوب؛ سیگنال خوف و رجاء, تلاش ترزا می و اتحادیه اروپا برای دستیابی به توافق ادامه دارد, هزینه «برگزیت سخت»